

دیروز ۳ انتصاب در دولت انجام شد، معنای هر کدام از آنها چیست

مامور ویژه پزشک‌یان از کجا می‌آید؟

در ادامه انتصابات دولت چهاردهم روز چهارشنبه سه مسئولیت دیگر کابینه تعیین تکلیف شدند. الیاس حضرتی، ریاست شورای اطلاع‌رسانی دولت را بر عهده گرفت و جایگزین سپهر خلجی شد. فاطمه مهاجرانی به عنوان سخنگوی دولت وارد هیات دولت شده و به جای محمد بهادری جهومی نشست و جمال عرف نیز معاونت هماهنگی، پیگیری‌های ویژه و خدمات مدیریت دفتر رئیس‌جمهور را بر عهده گرفت تا جانشین مهدی مجاهد در این جایگاه شود. باتوجه به سوابق کاری چهره‌های انتخاب شده می‌توان به قدرت تعامل آنها با جناح‌های مختلف سیاسی و اجرایی و همچنین تحقق شعاروفاق ملی امیدوار ماند. رئیس‌جمهور با سپردن سه مسئولیت ذکر شده به چهره‌هایی که سابقه کاری آنها به سابقه سیاسی‌شان چیرگی دارد بستر خوبی برای اقیاع مردم و اصحاب رسانه به وجود آورده و می‌تواند از آن برای تحقق سیاست‌های مدنظر خود و امید آفرینی در جامعه حداکثر بهره را ببرد.

تعداد محوری ویژگی معاون هماهنگی رئیس‌جمهور

تاکید رهبر انقلاب به داشتن روحیه پیگیری در دولت‌مردان و نیز سرعت پیشبرد امور در نتیجه پیگیری، اهمیت معاونت هماهنگی و پیگیری‌های ویژه‌ان‌شان می‌دهد. کسی که در این جایگاه قرار می‌گیرد ضمن داشتن روحیه پرکاری باید از پرداختن به امور حاشیه‌ای صرف‌نظر کرده و تمرکز خود را به دست‌گانه‌های مختلف بگذارد تا بتواند هماهنگی آنها با رئیس‌جمهور را بالا ببرد و مسیر تحقق ایده‌های رئیس‌جمهور را هموار کند. اجتناب از برخورد‌های سیاسی اولین اصل در ایجاد هماهنگی با گروه‌ها و دستگاه‌های مختلف محسوب می‌شود که از سابقه عملکردی جمال عرف به‌نظر می‌رسد او خیلی تحت‌تأثیر برخورد‌های سیاسی قرار نگرفته و برای مسئولیت جدید فرد مناسبی باشد. جمال عرف در زمان تصدی معاونت سیاسی در وزارت کشور دولت دوازدهم، تجربه انتخابات مجلس را داشته است. در این انتخابات پس از آنکه تصمیم‌گیری در مورد تأیید و عدم تأیید صلاحیت کاندیدها در هیات‌های اجرایی و وزارت کشور پایان یافت برخی گروه‌های سیاسی رادیکال تیغ انتقاد را به سمت وزیر کشور و معاون سیاسی او گرفته و آنها را متهم به دخالت در انتخابات کردند تا از طریق فشار سیاسی بتوانند برای برخی چهره‌های سیاسی تأیید صلاحیت بگیرند. جمال عرف در مقابل این فشارها در موضع درستی ایستاده و با تکیه بر استقلال نظر هیات‌های اجرایی از شانیت آنها دفاع کرد. او در نشست خبری در پاسخ به اتهام‌زنی‌ها به هیات‌های اجرایی گفت: «هیات‌های اجرایی از سویی متهم شدند به تأیید صلاحیت فله‌ای داوطلبان انتخابات، در مقابل عده‌ای هم هیات‌های اجرایی را متهم کردند که نگاه سیاسی داشت و بخشی از داوطلبان یک جریان را رد صلاحیت کردند که هر دو دیدگاه اشتباه و غیرکارشناسی است. هیات‌های اجرایی شخصیت حقوقی مستقل دارند و معتمدان توسط فرماندار یا حضور دادستان و رئیس سازمان ثبت احوال انتخاب می‌شوند.» رویکرد غیرسیاسی جمال عرف باعث می‌شود تا او و جابحت بیشتری برای تعامل با گروه‌های سیاسی متعادل پیدا کند و بتواند از مقبولیت خود برای کمک به رئیس‌جمهور بهره ببرد. سابقه ریاست دانشگاه امام باقر که یک دانشگاه زیر نظر وزارت اطلاعات شناخته می‌شود، نشان دهنده نزدیکی عرف با دستگاه‌های حاکمیتی است که این امر نیز نقطه قوت دیگری برای پیگیری دستورالعمل‌های رئیس‌جمهور محسوب می‌شود؛ چراکه مدیر موزاد اعتماد‌دها‌های مختلف در جلب حمایت دستگاه‌ها از ایده‌های رئیس‌جمهور شانس بیشتری خواهد داشت.

رئیس شورای اطلاع‌رسانی از رسانه آمد

شورای اطلاع‌رسانی دولت مهم‌ترین نقش را در تعیین راهبرد‌های رسانه‌ای دولت



خواهد داشت. راهبرد‌هایی که این شورابه رسانه‌های ذیل دولت و نیز سایر رسانه‌ها ارائه می‌دهد باید بتواند در ساختن تصویری مطلوب از ارکان دولت و اقدامات آن موثر واقع شود. برای ایفای چنین نقشی طبعاً افرادی باید به کار گرفته شوند که سابقه روشنی در حوزه‌رسانه داشته باشند. الیاس حضرتی به واسطه سال‌ها فعالیت به عنوان مدیرمسئول روزنامه اعتماد تجربه خوبی در حوزه رسانه اندخته که می‌تواند از آن برای کمک به دولت پزشک‌یان حد‌اکثر بهره را ببرد. در کنار این فعالیت رسانه‌ای، حضرتی به‌لحاظ سیاسی نیز فرد پرکاری محسوب می‌شود. الیاس حضرتی چندین دوره به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی انتخاب شده است. او ابتدا در دوره سوم (۱۳۷۱-۱۳۶۷) و سپس در دوره ششم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) به عنوان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی حضور داشت. همچنین در دوره دهم مجلس (۱۳۹۹-۱۳۹۵)، او به عنوان نماینده مردم تهران و عضو فراکسیون امید که فراکسیونی اصلاح‌طلب بود، فعالیت کرد. الیاس حضرتی در دوره دهم مجلس شورای اسلامی به عنوان رئیس کمیسیون اقتصادی فعالیت داشت. او در این نقش به بررسی و پیگیری مسائل اقتصادی کشور پرداخت. یکی از اقدامات شاخص حضرتی در مجلس دهم استعفا از فراکسیون امید بود. او در جریان جلسه استیضاح مسعود کرباسیان وزیر وقت اقتصاد، از این فراکسیون استعفا داد و علت استعفاش را تصمیم بر صحبت کردن در موافقت با این استیضاح «عنوان کرد و گفت امیدوار بوده اصلاح‌طلبان برای «هم‌تولایی و هم‌ردی با مردم» با استیضاح وزیر اقتصاد موافقت کنند. اما از آنجا که نظر اکثریت این نبود و او قصد داشته حتماً در موافقت با استیضاح صحبت کند، استعفا داده تا اقدامش خلاف کار تکلیفاتی نباشد. حضرتی به عنوان دبیرکل حزب اتحاد ملت از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبان محسوب می‌شود. او همواره در انتخابات‌های مختلف ریاست جمهوری و مجلس باه عنوان کاندیدا حضور پیدا کرده یا با حمایت از سایر چهره‌ها نقشی تأثیرگذار داشته است. رویه سیاسی او کاملاً برخلاف برخی گروه‌های اصلاح‌طلب محسوب می‌شود که باید نگاهی منفعت‌گرایانه



به انتخابات نگریسته و بعضاً عدم مشارکت و رای ندادن را نیز ترویج می‌کردند. حضرتی در انتخابات مجلس ششم علی‌رغم آنکه در فهرست اصلاح‌طلبان جایی نداشت، توانست وارد مجلس شود. علاوه بر رویکرد سیاسی متعادل عامل دیگری که باعث می‌شود در مورد تعامل حضرتی با رسانه‌ها و دستگاه‌های مختلف بیرون دولت امیدواری به وجود بیاید، سابقه کاری او است. حضرتی پس از انقلاب به سپاه پاسداران ملحق شد و آن‌طور که در برخی محافل مشهور است پس از مدتی فعالیت در دفتر عقیدتی سپاه پاسداران، به عنوان موسس سپاه گیلان به فرماندهی سپاه این منطقه رسیده است. مجموع سوابق سیاسی، رسانه‌ای و کاری حضرتی بار تجربه او را سنگین کرده و او اکنون فرصت خوبی برای بهره بردن از این فرصت به نفع اجرای سیاست‌های راهبردی دولت دارد.

نخستین زنی که سخنگوی دولت شد

اتفاقات سال ۱۴۰۱ باعث شد این تصور به‌وجود بیاید که دولت سیزدهم در ارتباط با نسل جوان کم‌توان است. بهادری جهومی به‌عنوان سخنگوی این دولت برای از بین بردن چنین تصویری چندین مرتبه برای گفت‌وگو با دانشجویان در دانشگاه‌ها حضور یافته و خود را در معرض پاسخگویی قرار داد. اثرات مثبت چنین اقداماتی ایجاب می‌کند که در همه دولت‌ها این رفتار تداوم یابد. انتخاب فاطمه مهاجرانی به عنوان چهره‌ای با سابقه در حوزه آموزش هم پاسخی به مطالبه استفاده بیشتر از بانوان در هیات دولت محسوب می‌شود و هم ظرفیت ارتباط با نسل جدید را فعال نگه می‌دارد. در سال ۶۸ با رتبه ۷۰۰ تنگوار در رشته مهندسی مکانیک تحصیل و لیسانس خود را در همین رشته از دانشگاه شهید باهنر کرمان اخذ کرد. مهاجرانی فوق‌لیسانس را هم در همین دانشگاه و در همین رشته پشت سر گذاشت و برای تحصیلات تکمیلی هم بورسیه دکتری رشته ریاضیات از دانشگاه برنول لندن را کسب کرد اما به دلایل خانوادگی امکان ادامه تحصیلات در آنجا را پیدا نکرد و درنهایت از



دانشگاه هریوت وات اسکاتلند فوق‌لیسانس استراتژی گرفت و همان جانشینات خود را در مقطع دکتری ادامه داد. مهاجرانی رئیس دانشکده فنی و حرفه‌ای دختران شریعتی بود اما در مهر سال ۹۶ از سوی محمد بطحایی، وزیر وقت آموزش و پرورش به عنوان رئیس مرکز استعداد‌های درخشان انتخاب شد. در سال‌های اخیر نیز مهاجرانی به عنوان عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی ارشاد در رشته مدیریت بازرگانی فعالیت کرد. فاطمه مهاجرانی که عضو شورای انتقال قدرت دولت چهاردهم به ریاست ظرفی نیز بوده است در ایام انتخابات در ستاد بانوان مسعود پزشک‌یان فعالیت کرد و همین امر نیز باعث شد در رسانه‌ها به عنوان چهره‌ای شناخته شود که مطالبات بانوان را مورد توجه قرار داده و پیگیری می‌کند. در راستای همین فعالیت‌ها نیز او اظهاراتی را در اراک مطرح کرد که جنجال برانگیز شد. همچون دو چهره دیگری که روز چهارشنبه مسئولیت گرفتند مهاجرانی نیز مطابق سوابق سیاسی و اجرایی‌اش در دسته اصلاح‌طلبانی قرار نمی‌گیرد که اکنون چشم‌انتظار شکست دولت چهاردهم نیستند و برای پزشک‌یان نسخه‌های رادیکال تجویز می‌کنند.

مسیر مهارادیکالیسم تداوم می‌یابد

مجموع انتخاب‌های مسعود پزشک‌یان نشان می‌دهد او برای تحقق شعاروفاق ملی به عنوان بستر پیشبرد امور عزمی جدی داشته و سعی دارد همین اصل را در انتصابات خود نیز لحاظ کند. اجتناب از میدان دادن به چهره‌های سیاسی حاشیه‌ساز و جلوگیری از افتادن دولت به دام تندروی، امری است که می‌تواند احتمال موفقیت دولت را در اصلاح‌امور و جلب رضایت مردم بالا ببرد. رویکردی که برای گروه‌های رادیکال رضایت‌بخش نخواهد بود و احتمالاً توسط رسانه‌ای آنها را علیه رئیس‌جمهور فعال‌تر از گذشته خواهد کرد. در چند روز اخیر جله‌وهایی از این رفتار را در توئیتر شخصیت‌های اصلاح‌طلب مشهور به‌تندروی دیده‌ایم و تداوم این امر نباید تأثیری در انگیزه‌های دولت برای اجتناب از افتادن در دام جناح‌زگی بگذارد.

چه کسانی تله انفجاری پیش پای دولت پزشک‌یان می‌گذارند

حصر منطق اصلاح طلبان رادیکال



پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات منجر به کم شدن شکاف‌های سیاسی درون آنها نشد و حتی در مواردی این شکاف‌ها را دو برابر کرد. دعوی اصلاح‌طلبان تنها به سهم خواهی برای حضور در قدرت و خالص سازی از جانب برخی از آنها محدود نمانده و به نظر می‌رسد یکی از دشواری‌های اصلی دولت دست و پنجه نرم کردن با اصلاح‌طلبان رادیکالی است که درک آنها از صحنه سیاسی همچنان در وقایع ۲۰ سال گذشته محدود مانده است. در سمت مقابل اما بخشی از اصلاح‌طلبان که درک واقع‌بینانه‌تری از فضای سیاسی در ایران دارند، موضوع این طیف را نقد کردند. دولت مسعود پزشک‌یان فرصت خوبی برای اصلاح‌طلبان فراهم کرده تا چهره سیاسی خود را در میان مردم ترمیم کند، فرصتی که اگر در دام دعوای سیاسی درون اصلاح‌طلبی بیفتند، تقریباً از دست خواهد رفت.

احتمال رفع حصر مهدی کربویی و ماجرای یک پیغام

یکی دو روزی می‌شود که اخباری مبنی بر احتمال رفع حصر بار دیگر در رسانه‌ها دست به دست می‌شود. بعد از اینکه مسعود کرباسچی از به نتیجه رسیدن پیگیری‌های رئیس‌جمهور برای رفع حصر خیر داد، حسین کربویی، فرزند مهدی کربویی نیز در مصاحبه‌ای اعلام کرد «پیغام‌هایی از جانب رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه» به آنها رسیده است و البته در ادامه نیز اشاره کرد که کربویی در پاسخ گفته: «اگر قرار است روزی رفع حصر صورت گیرد، هر دو یعنی (او و میرحسین موسوی) باید رفع حصر شوند.» اولین سوالی که در مواجهه با این خبر مورد توجه قرار می‌گیرد این است که اساساً جامعه چقدر به اخباری که در مورد رفع حصر منتشر می‌شود توجه نشان داد؟ در نگاهی کلی می‌توان گفت تقریباً نشانه‌های زیادی از توجه و اهمیت این خبر در میان اقشار جامعه و حتی جامعه نخبگانی نیز مشاهده نمی‌شود. امری که نشان می‌دهد، فاصله بخشی از طیف رادیکال اصلاح‌طلب با اقشار مختلف مردم آرتقدر زیاد شده که درک درستی از دغدغه مردم وجود ندارد. به نظر می‌رسد، بخشی از اصلاح‌طلبان رادیکال همچنان در فضای سیاسی ۱۵ سال گذشته متوقف مانده‌اند و نتوانسته‌اند خود را با واقعیت‌های سیاسی و خواست مردم همراه کنند. نکته دیگر نیز این است که بخشی از این بی‌تفاوتی مردم را می‌بایست

ناشی از ناتوانی اصلاح‌طلبان در همراه کردن جامعه با دغدغه‌های خود دانست و همین هم فاصله و شکاف اصلاح‌طلبان با اقشار مختلف مردم و حتی نخبگان را نشان می‌دهد.

رادیکالیسم ادامه دارد؟

این اما همه ماجرا نیست. دغدغه طیف رادیکال اصلاح‌طلب برای رفع حصر از روزهای ابتدایی پیروزی مسعود پزشک‌یان در دستور کار این طیف از اصلاح‌طلبان قرار گرفت حتی تا آنجا که ایده وفاق را زیر سوال بردند. امری که البته با واکنش بخشی از اصلاح‌طلبانی که نگاه واقع‌بینانه‌تری به صحنه سیاسی ایران داشتند، همراه شد. قصه رفع حصر و شعار آن توسط طیفی از اصلاح‌طلبان تندرو تا زگی ندارد و بیشتر از ۱۰ سال است که از جانب این طیف دنبال می‌شود. این موضوع حالا بعد از پیروزی مسعود پزشک‌یان و با حمایت اصلاح‌طلبان بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است. شروع جدی‌تر این ماجرا با پستی که ترگس موسوی، دختر میرحسین موسوی از زهرآه‌نورد و میرحسین موسوی در سالروز کودتای ۲۸ مرداد منتشر کرد، همراه شد و ترگس موسوی این دو نفر را «امیران کودتای ۸۸» خواند. جدای از اینکه این صحبت دختر موسوی انگشت اتهام را به سمت خود آنها می‌برد اما موضعی رادیکال تلقی می‌شد و رنگ‌بویی التهاب‌آفرینی دوباره در جامعه می‌داد. بعد از این پست نیز آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات در توئیتر سابق با همان ایکس به ماجرای ارسال نامه به شورای عالی امنیت ملی برای آزادی اشاره کرد و خطاب به دولت نوشت: «وفاق ملی بدون این‌ها گشایش‌ها، پروژه‌های ناکام خواهد بود.» این موضع‌گیری‌ها اما در درون اصلاح‌طلبان نیز با استقبال چندانی مواجه نشد. در چند روز گذشته عباس عبدی در نامه‌ای خطاب به سیدمحمد خانمی به این صحبت‌ها پاسخ داد. عبدی اشاره کرد ترکیب جبهه‌ای که محصول ۸۸ است نمی‌تواند در دوران وفاق کارایی داشته باشد و نوشت: «برخی دوستان در ۸۸ منجمد شده‌اند... گمان می‌کنند رفع حصر لازمه وفاق است درحالی‌که روش است وفاق مقدمه و شرط لازم رفع حصر است.» عبدی در نقطه مقابل نظر اصلاح‌طلبان رادیکال مثل آذرمصوری، به این نکته اشاره کرد که آنها اساساً راه حل مشکلات را در جای اشتباهی جست‌وجو می‌کنند و هنوز در سال ۸۸ باقی مانده‌اند. به جز عباس عبدی، سیدمحمد ابطحی هم در توئیتهی به فشار وارد کردن به دولت از جانب رادیکال‌ها انتقاد کرد و آن را خارج از «ادیات اصلاح‌طلبانه» دانست. بعد از این صحبت‌ها اما اظهارات فرزند مهدی

کربویی درباره رفع حصر و شرط برای آزادی میرحسین موسوی از حصر منتشر شد که یک معنی مشخص دارد و اینکه این طیف از اصلاح‌طلبان قصد ندارند از مواضع رادیکال خود فاصله بگیرند. اظهارات مهدی کربویی با واکنش طلبان کربویی که نماد عرف و مروت هستند، منطقی و موجه نیست، قاعده همه یا هیچ پسندیدنی نیست و از سویی اگر حصر ایشان برطرف شود، ایشان که نمی‌توانند برای خود حصر ایجاد کنند.» برداشتی که می‌توان از این موضع کربویی و البته رسانه‌ای کردن آن داشت، این است که سهم خواهی از دولت پزشک‌یان حالا در مرحله دیگری ادامه دارد و به نظر می‌رسد این جو رسانه‌ای فشارهای بیشتری را بر دولت وارد می‌کند و این طور به نظر می‌رسد که اصلاح‌طلبان رادیکال بی‌توجه به دغدغه افکار عمومی تنها به دنبال تحقق خواسته‌های خود هستند. امری که نشان می‌دهد برخلاف شعارهای این طیف از اصلاح‌طلبان رادیکال که عدم شرکت در انتخابات را کنار مردم بودن تعریف می‌کردند، اساساً برایشان اهمیتی ندارد که در حال حاضر اولویت فضای سیاسی کشور باید چه باشد و به چه چیزهایی می‌بایست توجه کرد. علاوه بر این، موضع‌گیری اخیر کربویی هزینه‌سازی برای دولت را نیز به همراه خواهد داشت. در شرایطی که دولت می‌بایست روی جلب اعتماد افکار عمومی و ترمیم شکاف‌های اجتماعی تمرکز کند، اصرار روی این موضوع و حتی با فرض به نتیجه رساندن آن، تنها فشار مضاعف را بر دولت تحمیل می‌کند و آن را از رسیدگی به کارهای مهم و در اولویت، باز می‌دارد. موضع‌گیری اخیر بعد از نامه انتقادی عبدی نشان می‌دهد اصلاح‌طلبان رادیکال قصد ندارند به ترمیم بدنه اصلاح‌طلبی بپردازند و همچنان برمدار رادیکالیسم حرکت می‌کنند.

اصلاح‌طلبان در آستانه دودستگی؟

موضع‌گیری کربویی درست در نقطه مقابل یادداشت عبدی قرار دارد. این اختلاف نظر البته تا زگی ندارد. عبدی اگرچه در دوران انتخابات عضو ستاد انتخاباتی مهدی کربویی بود اما معتقد بود در انتخابات تقلبی نشده است. او البته در مصاحبه‌ای هم در صریح‌تر موضع خود را اعلام کرد که مخالف حضور در خیابان در جریان اعتراضات بود؛ چراکه معتقد بود: «اگر افراد را به خیابان فرامی‌خوانند و نتوانید کسی را کنترل کنید، نباید این کار را انجام دهید.» حالا اما شکاف اصلاح‌طلبان و دودستگی آنها بیش از هر چیز خود را نشان داد. دسته‌ای از اصلاح‌طلبان که هیچ زمان